

شاپرک

فرشته طریقی

(کوشک جلالی)

سرشناسه	: طریقی، فرشته (کوشک جلالی)، ۱۳۳۶-
عنوان و نام پدیدآور	: شاپرک / فرشته طریقی (کوشک جلالی)؛ ویراستار عباس کوشک جلالی.
مشخصات نشر	: تهران: فراروان، ۱۳۹۸.
مشخصات ظاهری	: ۱۹۶ ص.
شابک	: 978-600-8283-48-5
وضعیت فهرست نویسی	: فیپا
موضوع	: شعر فارسی-- قرن ۱۴
موضوع	: Persian poetry -- 20th century
موضوع	: شعر سپید -- قرن ۱۴
موضوع	: Blank verse -- 20th century
شناسه افزوده	: کوشک جلالی، عباس، ویراستار
رده‌بندی کنگره	: PIR۳۵۲
رده‌بندی دیوئی	: ۸۴ ۶۲/۱
شماره کتابشناسی ملی	: ۶۰۷۸۱۸۱

شاپرک

فرشته طریقی (کوشک جلالی)

ویراستار: عباس کوشک جلالی

چاپ اول ۱۳۹۹، شمارگان ۲۰۰، فراروان

شابک ۹۷۸-۶۰۰-۸۲۸۳-۴۸-۵

حق چاپ برای مؤلف محفوظ است

انتشارات فراروان: تهران، تلفن ۶۶۴۳۷۷۵۳ و ۶۶۹۲۱۳۷۸ نمابر ۶۶۹۰۰۲۹۹

کتابکده فراروان: خ ستارخان، پل یادگار امام، بازار سنتی، فاز ۱، شماره ۱/۱۱۸

تلفن ۱۷-۴۴۲۴۶۷۱۵ نمابر ۴۴۲۴۶۷۱۴

info@fararavan.com

قیمت ۳۵۰۰۰ تومان

فهرست

۱	بولد
۳	روز بیدار
۴	زخمی به رنگ خون
۷	جاده خالی
۱۱	درگیر خاطرات
۱۳	نمی‌دانم چگونه آمدی
۱۷	به سفر خواهی رفت
۱۹	می‌بارد
۲۰	شقایق
۲۱	دفتر زندگی
۲۵	تو نیستی که ببینی
۲۸	کینه
۲۹	در انتظار
۳۲	مرهم

۳۳	تنها تو را می نویسم
۳۵	معجزه باد
۳۶	تو رفتی
۳۷	باغ خیال
۴۰	کوه درد
۴۱	پرواز بلند
۴۵	حوار
۴۷	با من بمان
۵۰	بالی نیست
۵۱	سایه تردید و ویرانی
۵۳	بیداد می کند
۵۶	حال فلک
۵۷	به خانه قلبام
۵۹	دریچه
۶۱	غمگین مباش
۶۲	بازار ماهی فروش ها
۶۶	نگاهت
۶۷	خنده ی تو
۷۰	تصویر آرزوها

۷۲	مادر نگاه کن
۷۴	عاشقانه
۷۶	نگهبان
۷۸	آتش در کلاس
۸۴	من چه تنهایم
۸۶	ستاره پروین
۸۸	دیدنت زیباست
۹۱	شیر
۹۲	تو تنها خدای
۹۴	شاپرک
۹۶	سکوت
۹۷	نالای نی
۹۸	رویای باران
۱۰۰	خواسته
۱۰۱	شعله‌ی سوزان
۱۰۲	تو را چون می ناب نوشیدم
۱۰۴	ویرانی دل
۱۰۶	یوشا
۱۰۸	هنگام سفر

- ۱۱۰ نامم را صدا بزن
- ۱۱۳ مجنون زمان
- ۱۱۴ فراموشم مکن
- ۱۱۶ صدای باران
- ۱۱۸ کنار من بمان
- ۱۱۹ بودن
- ۱۲۰ سم گرمان
- ۱۲۲ در خاطر من است
- ۱۲۴ بی هم سفر
- ۱۲۶ ناتوان
- ۱۲۸ تهی شده از جان
- ۱۲۹ به امید سحر
- ۱۳۰ قصه‌ی طلوع تو
- ۱۳۲ رهایم مکن
- ۱۳۴ داغ رفتن تو
- ۱۳۶ تو را می‌جویم
- ۱۳۹ دلم شکسته
- ۱۴۰ سوی تو
- ۱۴۰ با بال‌های بسته

۱۴۱	همچو بتی
۱۴۲	گندمزار
۱۴۵	شعله‌ور
۱۴۶	شوق سرودن
۱۴۹	تاریکی
۱۵۰	شب‌های تنهایی
۱۵۳	خی تو خالی
۱۵۴	روزهای خوش
۱۵۷	دل‌تنگی
۱۵۸	پرنده
۱۶۰	آشیان خالی
۱۶۱	مرگ بهار
۱۶۳	چون سنگ بی‌صدا
۱۶۵	غروب پائیز
۱۶۸	هزاران ذره
۱۶۹	یاران چه صبورند
۱۷۲	ققنوس
۱۷۳	خسته‌ام از سکوت
۱۷۵	صدای بهار

سخنی با شما

این بار دلم می‌خورد رایتان بگویم نزد من چگونه حسی ست
حس سرودن و این بدست را مطرح کنم که اصلاً در این زمانه
نیازی به سرودن شعر هست؟ و اگر پاسخ مثبت است، شعر
باید چگونه باشد؟

این موضوع مرا در گذشته بسیار به خود مشغول می‌کرد
که چرا بعضی شعرها پس از مدتی کوتاه در انسان به سر
می‌رسد و فراموش می‌شوند، اما شعرهایی از گذشته‌های
دور تا امروز هنوز طراوت و نشاط خود را حفظ کرده‌اند، تازه‌اند،
زمزمه می‌شوند و در خاطر تاریخ باقی می‌مانند.